

وحید آقاپور عنوان کرد؛

سرهنگ ثریا روایتی مادرانه از یک ماجرای تکان دهنده

سارا بقایی

«سرهنگ ثریا» به کارگردانی لیلی عاج تازه‌ترین اثر سینمایی است که به موضوع مناقصین پرداخته است. فیلم داستان خود را بر اساس زندگی واقعی یک زن روایت می‌کند؛ زنی به نام ثریا عبدالهی با بازی زاله صامتی که به همراه خانواده‌های دیگر به عراق رفتند و در کنار پادگان اشرف، کمپ زدند تا بلکه فرزندان فریب خورده خود را بازگردانند. «سرهنگ ثریا» اولین تجربه بلند سینمایی خانم عاج است که پیشتر تئاتری با همین موضوع روی صحنه برده بود. مسولان سازمان اوج با تماشای نمایش از او خواستند اثری سینمایی نیز بسازد. فیلم سال پیش برای نخستین بار در جشنواره فجر رونمایی شد و توام با سر و صدا بود. ماجرا به حضور جمعی از پدران و مادران سالخورده در پردیس سینمایی ملت برمی‌گردد که قاب عکس فرزندان خود را در دست داشتند. بغض و اشک و صدای آن‌ها هنگام نمایش فیلم از اتفاقاتی است که در حافظه جشنواره به ثبت رسید... حالا «سرهنگ ثریا» آکران عمومی شده و به این مناسبت با وحید آقاپور گفت‌وگو کرده‌ایم. در این گفتگو درباره چند پروژه دیگر هم از او پرسیدیم.

آقای آقاپور چه شد که در سرهنگ ثریا بازی کردید؟

خانم لیلی عاج کارگردان این فیلم را از دوره دانشجویی و از حدود ۲۰ سال قبل می‌شناختم و اجراهای تئاتر ایشان را دیده بودم و با همدیگر رفاقتی قدیمی داشتیم ولی با هم کار نکرده بودیم تا این که این فیلمنامه را به من پیشنهاد دادند و آن را خواندم و اولین نکته، سوزه انسانی فیلمنامه بود که من را جذب کرد و مجموعه اینها باعث حضور من در این کار شد.

زمانی که فیلمنامه را خواندید و در حین فیلمبرداری و بازی نقش، نکاتی بود که پیشنهاد دهید تا تغییر کند یا اصلاح شود؟

بله. نه تنها من که باقی بازیگران هم در مورد دیالوگ‌ها نظرشان را می‌گفتند؛ حک و اصلاح می‌کردند و اگر چیزی غیرمناسب به نظر می‌رسید تلاش می‌کردیم که با همفکری همدیگر آن را اصلاح کنیم و می‌شود گفت که فیلمنامه وحی منزل نبود و در مواقعی که حس می‌کردیم می‌توان آن را بهتر کرد نظرم را اعمال می‌کردیم.

در مورد سوزه فیلم اطلاعاتی از قبل داشتید؟ یا برای اثر مشخصا تحقیقاتی کردید؟

سوزه این فیلم یعنی گروهک مجاهدین خلق از دیرباز در جامعه ما مطرح بوده است و از دوره کودکی همه ما بچه‌های دهه ۵۰ این اسم را شنیده بودیم. من اطلاعاتی داشتم چرا که اساسا به تاریخ معاصر و جریان‌های سیاسی علاقمند بوده و هستم و از دوره نوجوانی مطالعاتی در این باره داشتم اما درباره داستان این فیلم که برگرفته از یک داستان واقعی



است اطلاعاتی نداشتیم و همین موضوع هم جذابیت قصه را برایم بیشتر کرد. به خصوص زمانی که فهمیدم چنین ماجرای رخ داده و پدر و مادرهایی برای ماه‌ها در جلوی اردوگاه اشرف کمپ زده‌اند. بعدتر مستندهایی را دیدم و در اینترنت سرچ کردم و در مورد مختصات اردوگاه اشرف و جو داخل آن تقریباً بی‌اطلاع بودم و در خلال کار اطلاعاتم بیشتر شد و همنشینی اطلاعات قبلی و اطلاعاتی که در جریان تمرین و ساخت فیلم کسب کردم به من کمک کرد که اشرف بیشتری درباره این موضوع و کارکنان داخل اردوگاه اشرف پیدا کنم.

چالش نقش شما در این فیلم چه بود؟

چالش من دو موضوع بود؛ لحظات عاطفی و حزن آلود کاراکتری که بازی می‌کردم؛ یعنی خلیل طاهرزاده (برادری که در جستجوی برادرش که در داخل اردوگاه اشرف بود با

**چون قرار بود نقش دو برادر
دوقلورا بازی کنم باید می‌توانستم تمایز
قابل قبولی در بازیگری بین این دو قائل
شوم و آنان را به خوبی از هم تفکیک
کنم. از سوی دیگر برای بازی در نقش
خلیل طاهرزاده (برادری که عضو
مجاهدین خلق بود) فرصت کمی
داشتم، یعنی خیلی زود ریشم را زدم و
گریم را عوض کردم و بنا شد سکانس
خلیل را بگیریم و این کم بودن فرصت از
چالش‌های این کار بود**